

فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کارآمدی سازمان‌های غیر دولتی جمهوری اسلامی ایران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۰۴ - تاریخ تصویب: ۹۵/۱۲/۱۷)

محمدعلی خسروی^۱

شهره شهبازی فرد^۲

چکیده

تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که تحول در هر جامعه‌ای به نقش نخبگان سیاسی وابسته است و اندیشه و تفکر آنها در اجرای برنامه‌های سیاسی - اجتماعی، گسترش تشکلهای مدنی و چگونگی تحقق خواسته‌های مردم به‌میزان تعیین کننده و سرنوشت‌سازی موثر می‌باشد. در این راستا، نگارنده تلاش کرده است؛ تا ضمن بررسی فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم، نشان دهد که توسعه نیافتگی سازمان‌های غیردولتی در دولت‌های پس از انقلاب، ارتباط تنگاتنگی با این نوع فرهنگ دارد. جهت پاسخگویی به فرضیه غیر مشارکتی بودن نخبگان سیاسی، بر اساس مدل (گابریل آلموند) از دو معیار سنجش استفاده کرده‌ایم. علاوه بر پرسشنامه جهت سنجش نوع فرهنگ سیاسی، عملکرد جامعه آماری نیز بررسی و پس از طی کردن مرحله روایی، برای بررسی سازگاری درونی گویه‌های مطرح شده در پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS از آماره آلفای کرونباخ با مقدار ضریب ۷۷ استفاده شد. سپس فرهنگ

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز (نویسنده مسئول) (malikhosravi@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز (Sh.shahsavari10@gmail.com)

سیاسی با سنجش پارامترهای فرهنگ سیاسی در ۹ مولفه بررسی گردید. نتایج منعکس کننده این امر بود که عدم تمایل نخبگان سیاسی به گسترش مشارکت و رقابت در سیاست، که بیان گر نوعی فرهنگ سیاسی تابعیتی و غیر مشارکتی است، یکی از عوامل اصلی و جدی توسعه نیافتگی سیاسی و فقدان کارایی تشکل های مدنی بوده است.

کلیدواژه ها: سازمان های غیر دولتی، فرهنگ سیاسی، الیت حاکم، تمرکزگرایی، فرهنگ تابعیتی

۱-۱. طرح مسئله

سازمان‌های غیردولتی، یکی از مصادیق جامعه مدنی در ارتباط با حاکمیت ارزش‌های مردمی هستند که زمینه مشارکت بیشتر مردم را در اداره امور مختلف اجتماعی فراهم کرده و می‌توانند با کمک در اموری چون سیاست‌گذاری، اجرا و پی‌گیری فعالیت‌ها در اداره امور عمومی نقش مهمی داشته باشند. این سازمان‌ها زمینه مشارکت سازمان‌یافته نخبگان را در مدیریت جامعه تسهیل می‌کنند و با نقش‌های مختلفی مانند منتقد، همکار، بازوی اجرایی، شریک و بازرس می‌توانند به اجرای مؤثر برنامه توسعه کشورها خدمت کنند.

اما بررسی وضعیت این سازمان‌ها در ایران نشان می‌دهد که برای فعالیت مؤثر با مشکلات و موانع بسیاری مواجه هستند. البته فعالیت‌های دولتی غیر سازمان‌یافته و مقطعی مانند برگزاری اعیاد مذهبی و یا حتی ملی به‌خوبی در ایران جا افتاده؛ اما این‌که مجموعه‌ای از افراد منظم در طول سال بخشی از زمان یا درآمد خود را برای رفع مشکل یا بسط علاقه‌ای مشترک - که بتواند به بخشی یا همه‌ی جامعه سود برساند - اختصاص دهند، نتوانسته است یک فرهنگ شود.

به‌عبارتی از آنجاکه جامعه به‌معنای واقعی «دولتی» مدیریت می‌شود، نتوانسته بپذیرد که باید برای رفع برخی معضلات و مشکلاتش، خود آستین‌ها را بالا زده و حل مشکل کند و همواره بر این باور بوده که «وظیفه دولت» است، اما این وضعیت روی دیگری نیز دارد و آن این‌که دولت همواره به نهادسازی‌هایی که بیرون از چارچوب نظارت تام و قدرتش صورت می‌گیرد، بدبین بوده و بیش از آنکه آن‌را فرصت بداند، یک تهدید بالقوه دانسته است. این نگاه ناشی از فقدان نوگرایی فرهنگ نخبگان سیاسی است که در مراکز چندگانه و غیر هماهنگ دولتی نمود پیدا کرده است.

نوگرایی فرآیندی است که به وسیله‌ی آن افراد در فعالیت‌های سیاسی خود به طرز قابل توجهی عقلانی، تحلیلی و تجربی عمل می‌کنند، به این معنا که افراد ضمن داشتن اهداف سیاسی، راه‌های موثر رسیدن به این اهداف را مورد آزمون و سنجش قرار داده و بهترین راه ممکن را انتخاب می‌کنند. فرد نوگرا کسی است که در فعالیت‌های سیاسی به طرز مستقلی عمل می‌کند و دارای جهت گیری ادراکی نسبت به موضوعات سیاسی است و نظام سیاسی را بر مبنای نتایج عینی و تاثیر تصمیمات سیاسی در زندگی عرضه می‌کند (بزرگمهری، ۱۳۸۰).

در این راستا تلاش بر آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که دلایل بی‌توجهی به سازمان‌های غیردولتی به عنوان رکن توسعه در ایران چه بوده و راه برون‌رفت از آن چیست؟ چگونه فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم گرایش به ترویج رابطه‌ی تابعیت‌محور بر رابطه‌ی مشارکت‌مدار دارد؟

در حالی که از شروع مطالعه فرهنگ سیاسی در جوامع غربی و خواستگاه جامعه‌شناسان مدرن کمی بیش از نیم قرن نمی‌گذرد؛ با این حال به نظر می‌رسد گرایش به مطالعه این مقوله در ایران و اعتقاد به نقش‌آفرینی آن در تحولات سیاسی هنوز به طور جدی آغاز نشده است. در حالی که توسعه یافتگی فرهنگ سیاسی شرط لازم توسعه‌ی سیاسی است و توسعه‌ی سیاسی جوامع همواره با فرهنگ سیاسی سنجیده می‌شود. از افلاطون و ارسطو گرفته تا سن‌توماس داکن و آکوئیناس، از ماکیاولی، مونتسکیو، روسو و ماکس وبر تا پوپر، فوکو و مارکوزه، هر یک در آثار خود به نوعی به فرهنگ سیاسی توجه داشته‌اند. با این وجود، از دهه ۱۹۵۰ به بعد بود که متفکرانی چون آلموند-وربا-پای، در مطالعات تطبیقی خود در سیاست، بررسی مستقیم و دقیق مفهوم فرهنگ سیاسی را سازمان دادند.

با این توصیف از فرهنگ سیاسی اگر کل افراد جامعه را به دو گروه «نخبه» و «توده» تقسیم کنیم، در آن صورت باید پرسید که فرهنگ سیاسی توده تأثیر و

نقش بیشتری در فرآیند توسعه سیاسی و از قبل آن تثبیت تشکل‌های مدنی دارد؛ یا فرهنگ سیاسی نخبه؟

البته ممکن است مفهوم نخبه مشکل‌ساز باشد؛ اما به‌طور کلی منظور از نخبگان سیاسی افرادی هستند که در موقعیت‌های قدرت رسمی یا غیر رسمی بالاتری قرار دارند و نسبت به تصمیم‌گیری‌ها و تحولات سیاسی در حوزه کار خود مطلع‌تر از بقیه محسوب می‌شوند. یعنی تعداد محدودی از افراد جامعه، که هر یک در سپهر فعالیت خویش توفیق یافته و به مرتبه بالایی از سلسله مراتب حرفه‌ای نائل شده‌اند.

رجوع به پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که در باب فرهنگ نخبگان سیاسی، دو دیدگاه وجود دارد: پژوهش‌هایی که فرهنگ سیاسی نخبگان را زمینه‌ای برای توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه می‌دانند؛ آنها استدلال می‌کنند که در جامعه ایران، یکی از عوامل عدم دسترسی به توسعه سیاسی فرهنگ نامناسب نخبگان سیاسی است. در اغلب این پژوهش‌ها، از مفهوم فرهنگ سیاسی استفاده ابزاری برای رسیدن به یک کارکرد اجتماعی شده است. پژوهش‌هایی مانند سید امامی (۱۳۷۶)، نصرتی‌نژاد (۱۳۷۹) و وردی‌زاده (۱۳۸۴) در این دسته قرار می‌گیرند؛ بیشتر این پژوهش‌ها در مدل مفهومی خود از تمام ابعاد و سطوح فرهنگ سیاسی استفاده نکردند. دسته دوم پژوهش‌هایی است که به بررسی تحول فرهنگ سیاسی نخبگان در یک دوره زمانی پرداخته‌اند و قائل به تحول فرهنگ سیاسی هستند. در این پژوهش‌ها بیشتر از روش‌های تاریخی - تطبیقی استفاده شده است و نظریات جدیدتری را از فرهنگ سیاسی مورد استفاده قرار داده‌اند. پژوهش‌های قیصری (۱۳۸۰)، علی‌اکبر سراوانی (۱۳۸۳) و ابراهیم

۱. در اغلب این پژوهش‌ها درک درستی از یک تئوری نشده است و شاخص‌های فرهنگ سیاسی بدون دلیلی محکم در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و این در حالی است که برخی از شاخص‌های مهم، مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. پژوهش نصرتی‌نژاد (۱۳۷۹) در این دسته می‌گنجد.

آبادی (۱۳۸۴) در این دسته قرار می‌گیرند. در برخی از این تحلیل‌ها بدون بحث در مورد این که آیا فرهنگ سیاسی قابل تحول و تغییر است یا خیر، تحول فرهنگ سیاسی را امری مفروض گرفته‌اند.^۱

اما در بحث حاضر کوشش شده است برخی کاستی‌های موجود در تحلیل‌های پیشین برطرف گردد. هدف تحلیل توصیفی فرهنگ سیاسی نخبگان و نقش آن در ناکارآمدی سازمان‌های غیردولتی است. بنابراین ما به دنبال چرایی شکل‌گیری فرهنگ سیاسی نخبگان ایران نیستیم، بلکه تنها در صدد توصیف این فرهنگ می‌باشیم. از این رو ادعا آن است که «نوعی فرهنگ سیاسی تابعیتی و غیرمشارکتی به جای فرهنگ سیاسی مشارکتی یکی از عوامل اصلی و جدی توسعه نیافتگی سیاسی بوده است».

در این راستا با استفاده از دیدگاه گابریل آلموند-با تنقیح- به بحث چگونگی نقش فرهنگ نخبگان سیاسی در عملکرد سازمان‌های غیردولتی در سه سطح پرداخته می‌شود.

در سطح کلان مسائلی چون میزان اعتماد به ساختار، ایدئولوژی سیاسی، تمرکززدایی و نگرش نخبگان سیاسی نسبت به این موضوعات بررسی می‌گردد. در سطح درون‌داد (فرآیند تصمیم‌گیری) به بررسی ساختارها و نخبگان سیاست‌گذار پرداخته می‌شود. در این مرحله نگاه نخبگان حاکم به آزادی بیان و جایگاه سازمان‌های غیردولتی مدنظر است.

در سطح برون‌داد (روند اجرای تصمیم) عملکردهای نظام سیاسی در باب تشکل‌های مدنی، حقوق شهروندی، تساهل‌مدارا اشاره می‌شود.

۱-۲. جامعه آماری و مدل مفهومی تحقیق

در این راستا برای شناخت نخبگان سیاسی منطبقاً از اعضا دولت آغاز شد.

۱. پژوهش سروانی (۱۳۸۳) و ابراهیم آبادی (۱۳۸۴) در این دسته قرار می‌گیرند.

به طور سنتی دولت نهادی است که اعضای آن از طرف اجتماع مورد سوال واقع می شوند و از نظر عملکردی تنها نهادی است که تصمیمات اساسی را اتخاذ می کند و می تواند صاحب صلاحیت باشد (لاسول، ۱۳۸۳: ۸).

لذا جمعیت آماری عبارتند از:

- معاونین، قائم مقام آنها، مدیران کل و روسای بخش های مختلف وزارتخانه ها در دوره بعد از انقلاب؛

- نمایندگان مجلس؛

- اعضای موثر و از نظر سیاسی با نفوذ؛

- استانداران، فرمانداران و روسای بخش های اصلی ادارات استان ها؛

- روسا و اعضا کمیته ها یا هیات های مرکزی احزاب سیاسی؛

- سردبیر روزنامه، مجلات سیاسی ناشران، مدیران مسوول

- روسای دانشکده های علوم سیاسی - حقوق و معاونان آنها و استادان برجسته این حوزه.^۱

به اقتضای مسئله مورد مطالعه، کیفی بودن و انجام آن به صورت خبرگی در تخمینی که به کمک چند نفر از صاحب نظران انجام گردید جامعه آماری حدود ۲۲۰ نفر برآورد شد.

اما سوال اصلی این است که چرا ۲۲۰ نفر؟ برای این سوال هیچ جواب درست و قانع کننده ای وجود ندارد. می توان به همه این ۲۲۰ نفر به عنوان نخبه سیاسی استناد کرد همان طور که می توان به طور دلخواه نخبگان سیاسی را به ۵ نفر محدود کرد. انتخاب این عدد نه به این علت که عدد ساده و آسانی بود، بلکه به این علت که ما سعی داشتیم با یک گروه عام به اندازه کافی بزرگ روبرو شویم که از نظر آماری در باره نخبگان سیاسی ایران اعتبار داشته باشد.

۱. از ۱۵ صاحب نظر علم سیاست و علوم اجتماعی خواسته شد نظر خود را در باب نوع فرهنگ الیت سیاسی بیان نمایند.

همان‌طور که «الکسی دوتوکویل» می‌نویسد: «اقتدار اخلاقی اکثریت بخشی به این مسئله مبتنی است که در مجموعه افراد متحد و منسجم هوش و تعقل بیشتری وجود دارد تا در افراد تنها و منحصر به فرد»؛ به همین علت ما تلاش کردیم که درباره فرآیند فرهنگ سیاسی الیت بر مبنای یک اکثریت از نخبگان سیاسی حکم صادر کنیم (دوتوکویل، ۱۹۵۴: ۲۵۶).

پس از تعریف و تعیین حدود جمعیت، حجم نمونه در قالب معادله کوکران عدد ۶۷ نفر برآورد گردید که این عدد برای رسیدن به اشباع داده تا ۷۵ نفر افزایش یافت. سپس برای سنجش فرهنگ سیاسی این جامعه آماری از چند مولفه قابل بررسی که حاصل تقاطع سه نوع جهت‌گیری ذهنی در خصوص سه سطح واقعیت سیاسی است (جدول ۱-۱) استفاده گردید.

جدول شماره (۱-۱) ابعاد مطالعه فرهنگ سیاسی

سیاست‌ها	فرآیند سیاسی	نظام سیاسی	ابعاد سطح
شناخت سیاست‌ها	شناخت فرآیند سیاسی	شناخت نظام سیاسی	شناختی
احساسات نسبت به سیاست‌ها	احساسات نسبت به فرآیند سیاسی	احساسات نسبت به نظام سیاسی	احساسی
ارزیابی سیاست‌ها	ارزیابی فرآیند سیاسی	ارزیابی نظام سیاسی	ارزیابانه

۱. جهت‌گیری شناختی: این بعد به آگاهی از نظام سیاسی، نقش‌هایش، ضرورت نقش‌ها و درون‌داده‌هایش (ورودی‌ها) و برون‌داده‌هایش (خروجی) دلالت می‌کند. بعد شناختی بر چگونگی شناخت ساختارهای اساسی و قواعد سیاست اشاره دارد.

● جهت‌گیری احساسی: این بعد از فرهنگ سیاسی به معنای احساس وابستگی، دخالت، طرد و امثال آن در مورد موضوعات سیاسی است. به عنوان مثال احساس موافقت یا مخالفت شخص نسبت به رهبران و ساختار نظام سیاسی؛

● جهت‌گیری ارزیابانه: این بعد به معنای قضاوت راجع به موضوعات سیاسی است و این سه بعد می‌توانند ناظر بر سه سطح از واقعیت سیاسی نیز باشند. این سه عبارت‌اند از: ۱. سطح نظام سیاسی، ۲. سطح فرآیند سیاسی (درون‌داد) و ۳. سطح سیاست‌گذاری (برون‌داد).

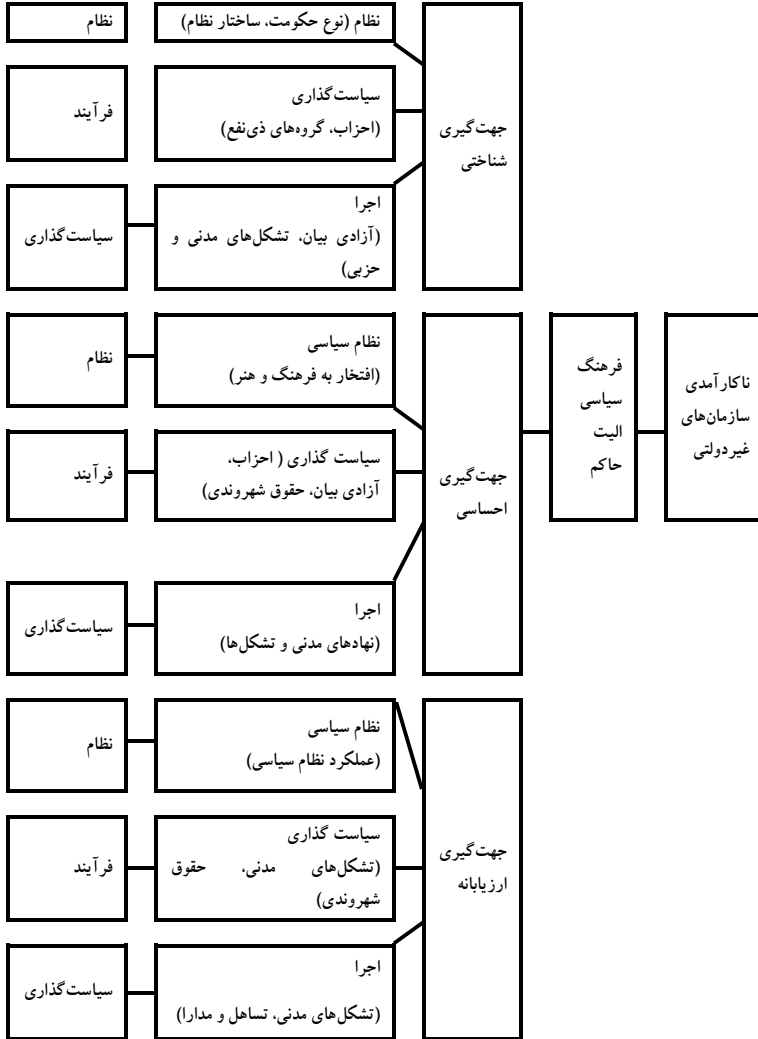
فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و... ۱۹۷

تا مشخص شود کدام مدل فرهنگ سیاسی برای آنها صادق است. آیا مشارکتی اطاعتی یا قبیله‌ای هستند؟ البته آلموند در باب نخبگان از فرهنگ اقتدارآمیز و دموکراتیک استفاده می‌نماید. در این راستا مدل مفهومی این پژوهش و موارد مطرح شده در پرسشنامه به صورت زیر تنظیم شده است:

جدول (۱-۲) مولفه‌های مطرح شده در پرسشنامه

متغیر	شاخص	مؤلفه	بعد
۱. شرکت در انتخابات، ۲. مشارکت در مدیریت شهری و محلی، ۳. میزان تشویق سیاسی، ۴. رابطه مشارکت سیاسی و آگاهی سیاسی و ۵. جلوگیری از مشارکت سیاسی نامتعارف.	مشارکت سیاسی نخبگان	مشارکت سیاسی در زندگی مدنی	روهنمای سیاسی
۱. آشنایی با احزاب، ۲. شناسایی قوانین انجمن‌ها و جایگاهشان در قوانین کشوری، ۳. عضویت در احزاب خاص، ۴. عضویت در انجمن‌های خاص، ۵. رابطه اتحادیه‌های کارگری و صنفی با آگاهی سیاسی و ۶. رابطه احزاب و انجمن‌های سیاسی با ثبات جامعه.	شرکت در احزاب و انجمن‌ها		
امکان تصدی مشاغل دولتی از سوی همه گروه‌ها با هر رنگ، نژاد و مذهب.	شرکت مردان در امور سیاسی		
۱. امکان تصدی مشاغل دولتی از سوی همه گروه‌ها با هر رنگ، نژاد و مذهب و ۲. امکان انتخاب در سمت سیاسی، یا دیگر سمت‌های مدیریتی و مسئولیت‌های تأثیرگذار و...	شرکت زنان در امور سیاسی		
۱. طرح ایده در تصمیم‌سازی‌ها، ۲. برنامه‌ریزی از پایین به بالا، ۳. نقش دموکراسی در مشارکت سیاسی، ۴. نقش مردم در مشروعیت حکومت و ۵. احترام به دموکراسی.	دخالت بر اجرای امور	نوع نظام سیاسی	
۱. دوری از تنش و هیجان‌زدگی یا روحیه متفعلانه در سیاست، ۲. قائل شدن حق برای طرف مقابل در گفت‌وگوها، ۳. رعایت حریم در موضوعات سیاسی و ۴. پیگیری نشست‌های سیاسی.	بحث در باب موضوعات سیاسی	حمایت از آزادی بیان و اندیشه	
۱. توانایی روزنامه‌ها در نوشتن آزاد واقعیت، آگاهی از حق تألیف، ۲. چاپ و ترجمه کتاب، حق آزادانه انتشار آثار و مطالب مکتوب	انتشار آثار و مطالب مکتوب		

مؤلفه	شاخص	متغیر	بعد
		رسانه‌های جمعی خصوصی در ایران و ۵. تأسیس نهادهایی برای صیانت از آزادی بیان.	
احترام به حقوق شهروندی		۱. حق رای، ۲. حق اعتراض، ۳. حق انتقاد کردن از حکومت، ۴. حق تشکیل حزب و ۵. حق سازماندهی نهادهای مدنی.	
تساهل مدارا با نگرش‌های سیاسی	احترام به تنوع تفکرات	۱. اجازه دولت به مخالفانش در آزادانه بیان کردن عقاید خود، ۲. آزاد گذاشتن مردم در پذیرش آرا و نظریات خود، ۳. امکان تصدی مشاغل دولتی از سوی همه گروه‌ها با هر رنگ، نژاد و مذهب، ۴. ارتقای ظرفیت افراد و گروه‌ها و ۵. انعطاف‌پذیری.	
اعتماد سیاسی		اعتماد به دولت از حیث فعالیت‌های سیاسی ، ۲. اعتماد به سیستم قانون‌گذاری، ۳. اعتماد به عملکرد احزاب و ۵. اعتماد به عملکرد سازمان‌های غیر دولتی.	
عضویت در گروه‌های ارادی		۱. انجمن‌های علمی، ۲. سازمان‌های هنری، ۳. احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ، ۴. تشکل‌های سیاسی-مذهبی، ۵. شبکه‌های اجتماعی مجازی و ۶. سازمان‌های غیر دولتی.	
منابع ارتقادهنده آگاهی سیاسی		۱. روزنامه و رادیو -تلویزیون به‌عنوان منابع اطلاعاتی سنتی و ۲-اینترنت و ماهواره به‌عنوان منابع اطلاعاتی مدرن.	
سازمان‌های غیر دولتی		۱-سازمان‌های غیر دولتی و تمرکززدایی، ۲. دلایل ناکارآمدی N.G.O در ایران، ۳. نقش جامعه مدنی در تکوین سازمان‌های غیر دولتی، ۴. ضعف سرمایه اجتماعی در تحقق N.G.O در ایران، ۵. نگاه امنیتی نخبگان سیاسی در کارایی N.G.O در ایران و ۶. سازمان‌های غیر دولتی فرصت یا تهدید.	



شکل (۱-۱) مدل مفهومی پژوهش

۱-۳. تعریف مفاهیم

سازمان‌های غیردولتی

اصطلاح سازمان‌های غیردولتی در نخستین برخورد به صورت فریبده‌ای ساده و آسان جلوه می‌کند، اما این اصطلاح ماهیتاً در برگیرنده آن‌چنان طیف وسیعی از سازمان‌های گوناگون است که تلاش برای ارائه معنی و مفهومی ساده از آن کاملاً بیهوده به نظر می‌رسد.

سازمان غیردولتی یا آن‌گونه که اخیراً در کشورمان به‌عنوان «سازمان مردم‌نهاد» شناخته می‌شود مفهومی است که نه می‌توان تعریف خاص، دقیق و جامعی برای آن یافت و نه امکان جستجوی تاریخچه معینی از زمان ایجاد آن وجود دارد. با این حال رشد بی‌سابقه این‌گونه سازمان‌ها، به‌ویژه در دهه‌های اخیر باعث شده است که ساختار آن از مفهومی تقریباً ناشناخته با حیطه وظایف ثابت و محدود به‌گونه‌ای شگفت‌آور تغییر یافته و به بازیگری قدرتمند در عرصه ملی و بین‌المللی و توانایی تاثیرگذاری بسیار، گاهی همدوش دولت‌ها و یا سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شود. شاید بتوان یکی از دلایل عمده این تحول را در رشد مفهوم «جامعه مدنی جهانی» در سال‌های اخیر جست‌وجو کرد. اما به رغم تاریخچه قابل ملاحظه، مفهوم NGO^۱ شفاف نیست (گلشن پژوه، ۱۳۸۶: ۱۰).

دانشگاه جان هاپکینز^۲ (۱۹۹۰) طی یک تحقیق ساختاری - عملیاتی در ۴۰ کشور بر اساس پارامترهای زیر به بیان ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی می‌پردازد:

۱- برحسب درآمد: سازمان‌هایی که هزینه‌های آنها عمدتاً از طریق کمک‌ها و

۱. NGO مخفف واژه می‌باشد که ترجمه فارسی آن سازمان‌های غیرحکومتی است؛ ولی در متون فارسی به‌عنوان سازمان‌های غیر دولتی رایج است.

2. <http://www.jhu.edu/ccss/pubs/pdf/caring.Pdf>.

مساعدهت‌های مردمی تامین می‌شود؛

۲- برحسب عرضه توان کاری؛ کار در این سازمان‌ها غیراجباری و بدون چشم‌داشت مادی است؛

۳- سازمان‌ها از حیث خروجی‌ها یا کالاهای خدماتی که ارائه می‌کنند به صورت سازمان‌هایی که مانند خیریه‌های عام‌المنفعه هستند و کالاهایی از نوع عمومی تولید می‌کنند تعریف شده‌اند؛

۴- سازمان‌هایی که سود خالص آنها میان متولیان سازمان توزیع نمی‌شود و در حیطه تشکل‌های غیردولتی شناخته می‌شوند؛

۵- سازمان یافتگی تشکل‌ها تا حدودی نهادینه شده و تثبیت یافته باشد. تجمع‌های موقت و خلق‌الساعه که هیچ ساختار واقعی و هویت سازمانی ندارند، واجد تعریف نیستند؛

۶- خصوصی بودن: از حیث سازمانی از دولت جدا هستند؛

۷- خودگردانی و استقلال: بتوانند بر فعالیت‌های خودشان تسلط و نظارت داشته باشند؛

۸- توزیع غیر انتفاعی: حاصل به موسسین یا مدیران تعلق نگیرد و در جهت اهداف سازمان به کار گرفته شود؛

۹- داوطلبانه بودن: شرکت در فعالیت‌های این تشکل‌ها به صورت داوطلبانه بوده و نظام عضوپذیری آنها آزاد است.

بنابراین یک سازمان غیردولتی دارای پنج ویژگی به شرح زیر می‌باشد: سازمان یافتگی (نهادینه و تثبیت شدن)، غیردولتی بودن، خودگردانی- استقلال، غیرانتفاعی و داوطلبانه بودن؛ از مهم‌ترین این مولفه‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.

الیت حاکم

در اندیشه نیچه، مقوله «ابرمرد» می‌تواند بیان‌گر نوعی نخبه‌گرایی باشد. وی در

شرح نظریه انسان برتر می‌گوید: تاریخ بشر عبارت است از تاریخ مبارزه بین نژادهای عالی و پست، میان توانایان و ناتوانایان و این‌که جهان و جامعه، عرصه عمل اَبَرمردها و نوابغ است که با تمام نیرو به سوی اوج و نبرد و پیروزی می‌روند. فقط آنها هستند که سازنده تاریخند و به هیچ قاعده اخلاقی در این سیر به اوج، مقید نیستند (علی آقابخشی، ۱۳۶۳: ۲۵۷). پاره‌تو نیز برای مفهوم نخبگان یا برگزیدگان دو تعریف ارائه می‌دهد: در یکی، این مفهوم همه‌ی برگزیدگان اجتماعی را در بر می‌گیرد و در دیگری معنای محدودتری دارد که فقط شامل برگزیدگان حکومت است. تعریف گسترده‌ی برگزیدگان، تعداد معدودی از افرادی را که هر یک در سپهر فعالیت خویش توفیق یافته و به مرتبه‌ی بالایی از سلسله مراتب حرفه‌ای نائل شده‌اند، نیز در بر می‌گیرد. کسانی که در مسابقه‌ی زندگی نمره‌های خوبی گرفته‌اند یا این‌که در «لاتاری» زندگی «اجتماعی»، شماره‌های برنده‌ای نصیبشان شده است (آرون، ۱۳۷۰: ۵۱۹-۵۱۷).

بنابراین مفهوم «نخبه» را در کل می‌بایست از دو جنبه مورد توجه قرار داد:

۱. نخبه کسی است که در جامعه دارای شهرت است؛
 ۲. نخبه کسی است که در جامعه از نظر موقعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی «بهترین» محسوب می‌شود (خواجه سروی، ۱۳۹۰: ۱۹۲-۱۹۱).
- این‌که چرا در این بحث مخصوصاً از نظرات پاره‌تو و موسکا کمک گرفته شده است، به این دلیل بوده که این دو بیش از هر محقق دیگری، عالمانه گروه نخبه سیاسی را به مثابه مفهومی کاملاً کلیدی در علوم اجتماعی جدید مطرح کرده‌اند و بر خصلت عینیت‌گرا و علمی تحقیقات خویش تأکید دارند. بنابراین با حفظ وفاداری به چارچوب اصلی نظریه، بر آن بخش از نظرات و مفروضات آنان تکیه گردید که ضمن انطباق بیش‌تر با ویژگی‌های سیاسی جامعه ایران معاصر، توانایی تحلیل عملکرد نخبگان را در راستای وظایف خود داشته باشد (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۳).

فرهنگ سیاسی

آلموند- و ربا معتقدند، هر نظام سیاسی متضمن یک الگوی خاص از جهت‌گیری به سوی کنش‌های سیاسی است، یا به عبارت دیگر دارای یک قلمروی ذهنی سازمان‌یافته درباره سیاست است که به جامعه ترتیب نهادها و اتکای اجتماع بر افعال فردی معنا می‌دهد (Almond, 1965, 42-34). به‌باور وی در ارزیابی سطح فرهنگ سیاسی یک جامعه مفروض، چهار ضابطه را باید در نظر گرفت (پالمر؛ موتی و دیگران، ۱۳۶۷: ۱۰۲-۱۰۱).

۱. فرد چه دانشی درباره ملت، نظام سیاسی، تاریخ، قانون اساسی و مانند این‌ها دارد؟

۲. از ساخت‌ها و نقش‌های نخبگان سیاسی مختلف و خط‌مشی‌های سیاسی پیشنهادی، چه می‌داند و احساسات او در مورد این امور چیست؟

۳. فرد درباره اجرای خط‌مشی در سطح پایین، ساخت‌ها، افراد و تصمیمات درگیر در این فرآیند علاوه بر دانش و احساس، چه نظر و قضاوتی دارد؟

۴. چگونه خود را به‌عنوان عضوی از نظام سیاسی تصور می‌کند و درباره قابلیت‌هایش چگونه فکر می‌کند؟ چه هنجارهایی از مشارکت را می‌شناسد؟

بعد اولی دانسته‌ها و باورهای مردم و نخبگان را و بعد دوم جهت‌گیری‌های عاطفی و احساسی آنها و بُعد سوم نحوه داوری و قضاوت آنها را نسبت به نظام سیاسی و مقررات، نقش‌ها و ورودی و خروجی نظام نشان می‌دهد. اما در ایران فرهنگ سیاسی به‌طور اعم و در بین نخبگان حاکم به‌عنوان گروه تاثیرگذار به‌طور اخص چگونه است؟ به‌قول جیمز روزنا که معتقد بود وظیفه اصلی یک دانشگاهی ساده کردن پدیده‌های پیچیده است؛ در زیر‌گره‌های فرهنگ سیاسی ایران را ساده می‌کنیم (سریع‌القلم، ۱۳۹۲: ۱۴). «رنه گروسه» ایران را سرزمینی در مسیر و گذرگاه فرهنگ‌ها، گروه‌ها و جریان‌های عمده‌ی تاریخی تلقی می‌کند. این امر که ایران در چهار راه حوادث قرار گرفته، نقش مهمی در

شکل‌بندی شخصیت ایرانی، ساختار قدرت و نوع نظام سیاسی داشته است. یکی از سرچشمه‌های باورها و رفتارهای گوناگون و بعضاً متعارض ایرانیان، همین وضعیت جغرافیایی و تاریخی بوده است. از این منظر جامعه‌ای که در رهگذر تاریخ و تمدن قرار دارد، مردم آن با دو وجه شخصیتی مثبت و منفی روبه‌رو می‌شوند: از یک طرف، اندیشه و بینشی باز و منعطف با شرایط جدید دارند و از سوی دیگر به دلیل سر راه بودن، در معرض مسخ فرهنگی و تبعیت بیشتری قرار دارند (ابطحی، ۱۳۸۲: ۳۹).

بنابراین محققین فرهنگ ایرانی، آن‌را به دلایل متعدد فرهنگ تابع معرفی می‌کنند تا فرهنگ مشارکتی؛ در چنین فرهنگی، افراد همکاری قوی نمی‌توانند با هم داشته باشند و اعتمادشان به هم ضعیف است.

در این راستا فراستخواه با طرح این سؤال که «آیا خلیقات ایرانیان ضعف‌هایی دارد؟» می‌کوشد در قالب کاری شبه‌پیمایشی با جامعه‌ای آماری متشکل از اعضای هیأت علمی و گروهی از نخبه‌های کشور به این سؤال پاسخ دهد؛ در این راستا، ضعف فرهنگ کار جمعی، رودربایستی، عدم شفافیت، خودمحموری، غلبه احساسات بر خردورزی، رواج دروغ و رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی را از جمله این ضعف‌ها می‌داند (فراستخواه، ۱۳۹۴). ماروین زونیس نیز چهار خصوصیت برای فرهنگ سیاسی ایرانیان به‌خصوص نخبگان سیاسی بر می‌شمارد: بدبینی سیاسی، بی‌اعتمادی شخصی، احساس عدم امنیت آشکار و بهره‌کشی میان فردی (زونیس، ۱۳۸۷: ۴۴۷).

اما این فرهنگ چگونه نقش سلبی در تحقق تشکل‌های مدنی و توسعه سیاسی را ایفا نموده است؟ جهت پاسخگویی به سوال مذکور علاوه بر پرسشنامه جهت سنجش نوع فرهنگ سیاسی ۴ مقطع زمانی را در نظر گرفته‌ایم و سپس براساس مقاطع زمانی مختلف چند نمونه گفتمان را پیرامون نحوه تاثیرگذاری فرهنگ سیاسی نخبگان بر عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد برگزیده‌ایم؛ در پرسشنامه سعی گردید جهت سنجش نوع فرهنگ سیاسی فاکتورهای مشارکت سیاسی، اعتماد

سیاسی، آزادی بیان، حقوق شهروندی، تساهل مدارا، تشکل‌های مدنی سنجیده و پاسخ‌ها با عملکرد آنها مقایسه گردید.

۴-۱. ارزیابی داده‌های آماری

از ۷۵ الیت سیاسی ۶۹ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد و ۳۱ درصد زن بوده‌اند^۱، از لحاظ سن ۲۱ درصد تا ۴۰ سال، ۵۰-۴۰ سال ۴۴ درصد، ۶۰-۵۰ سال ۲۷ درصد، ۷۰-۶۰ سال ۸ درصد. از لحاظ تحصیلات ۴۷ درصد فوق لیسانس، ۱۵ درصد لیسانس، ۳۷ درصد دکتری، ۱ درصد تحصیلات حوزوی. از لحاظ نوع حرفه ۴۱ درصد علمی، ۵۱ درصد اجرایی، ۸ درصد خصوصی. از لحاظ سابقه اشتغال ۶۱ درصد زیر ۲۰ سال، ۱۹ درصد ۳۰-۲۰، ۹ درصد بالای ۳۰ سال و ۱۱ درصد از پاسخ به این گزینه خودداری نمودند. از لحاظ گرایش جناحی ۷۰ درصد ترجیح دادند از جناح مستقل یاد نموده^۲، ۱۵ درصد اصول‌گرا ۱۵ درصد اصلاح‌طلب می‌باشند. به‌منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده می‌شود.

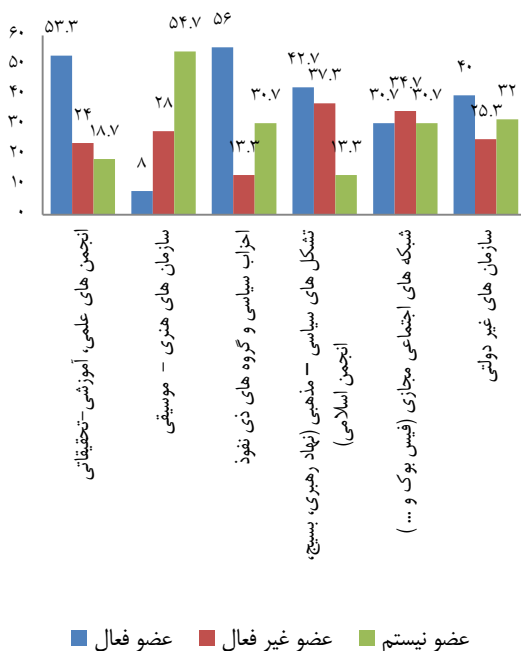
ابتدا در قالب هفت گزینه سعی گردید (جدول ۱-۳) وضعیت عضویت الیت سیاسی در تشکل‌ها و گروه‌های مختلف بررسی گردد. اصل را بر این گذاشتیم که بین مشارکتی بودن و وضعیت عضویت در تشکل‌ها و گروه‌های مختلف رابطه معناداری وجود دارد.

۱. یکی از نکات کلیدی در توزیع پرسشنامه تعادل منطقی بین جامعه آماری زن و مرد است. با دانستن این پیش‌فرض علت عدم رعایت این نکته تعداد کم الیت سیاسی زن به نسبت مردان است.

۲. جامعه آماری در مقابل این سوال که گرایش جناحی شما چیست؟ ۷۰ درصد ترجیح داده‌اند که از جناح مستقل یاد نمایند.

جدول (۳-۱) توزیع فراوانی مربوط به وضعیت عضویت پاسخ‌دهندگان در تشکل‌ها و گروه‌ها

بدون پاسخ (درصد فراوانی)	غیر عضو (درصد فراوانی)	عضو غیر فعال (درصد فراوانی)	عضو فعال (درصد فراوانی)	تشکل یا گروه
۴	۷.۱۸	۲۴	۳.۵۳	انجمن‌های علمی، آموزشی - تحقیقاتی
۳.۹	۷.۵۴	۲۸	۸	سازمان‌های هنری - موسیقی
۰	۷.۳۰	۳.۱۳	۵۶	احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ
۷.۶	۳.۱۳	۳.۳۷	۷.۴۲	تشکل‌های سیاسی - مذهبی (نهاد رهبری، بسیج، انجمن اسلامی)
۴	۷.۳۰	۷.۳۴	۷.۳۰	شبکه‌های اجتماعی مجازی (فیس‌بوک و...)
۷.۲	۳۲	۳.۲۵	۴۰	سازمان‌های غیر دولتی



نمودار میله‌ای مربوط به توزیع درصد فراوانی وضعیت عضویت پاسخ دهندگان در تشکل‌ها و گروه‌های مختلف

● ضمناً میزان استفاده جامعه آماری از منابع اطلاعاتی - رادیو و تلویزیون، ماهواره، مجله، کتاب -سنجیده شد (جدول ۱-۴). تا میزان آگاهی افراد بر اساس استفاده آنها از منابع اطلاعاتی بررسی گردد.

● عدد معنی‌دار در خصوص استفاده از رادیو - تلویزیون داخلی از سطح خطای ۵ درصد کمتر نمی‌باشد؛ پس می‌توان گفت که نسبت دو گروه (کمتر و مساوی متوسط و بالاتر از متوسط) اختلاف معنی‌داری ندارد؛ به این معنی که رادیو و تلویزیون داخلی دارای جایگاه مناسبی در زندگی روزمره پاسخ دهندگان به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی نمی‌باشد.

رابطه فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و... ۲۰۹

- عدد معنی‌دار مربوط به استفاده از ماهواره از سطح خطای ۵ درصد کمتر شد که این بدان معناست که فرض صفر مبنی بر برابری نسبت گروه اول و دوم مورد تایید قرار نمی‌گیرد و از آنجا که نسبت مشاهده شده گروه اول (کمتر مساوی متوسط) ۰۰۰ .۰۰۰ می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که ماهواره جایگاه ضعیفی به عنوان یک منبع اطلاعاتی در زندگی روزمره پاسخ دهندگان دارد.
- در خصوص سایر منابع اطلاعاتی روزنامه، مجله و کتاب با توجه به این که اعداد معنی‌داری محاسبه شده از سطح خطای ۵ درصد کمتر می‌باشد و نسبت مشاهده شده گروه دوم (زیاد) از گروه اول (کمتر و مساوی متوسط) بیشتر است؛ پس می‌توان گفت که منابع اطلاعاتی مورد بحث از جایگاه مناسبی در زندگی روزمره پاسخ دهندگان برخوردار می‌باشد.

جدول (۴-۱) جایگاه منابع اطلاعاتی در زندگی روزمره پاسخ دهندگان

منابع اطلاعاتی	گروه پاسخ‌ها	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	عدد معنی‌داری
روزنامه و مجله	کمتر یا مساوی متوسط (کم)	۲۴ .۰۰	۵ .۰	۰۰۰ .۰
	بیشتر از متوسط (زیاد)	۷۶ .۰۰		
رادیو و تلویزیون داخلی	کمتر یا مساوی متوسط (کم)	۵۸ .۰۰	۵ .۰	۲۴۵ .۰۰
	بیشتر از متوسط (زیاد)	۴۲ .۰۰		
استفاده از اینترنت، پست الکترونیکی	کمتر یا مساوی متوسط (کم)	۲۵ .۰۰	۵ .۰	۰۰۰ .۰
	بیشتر از متوسط (زیاد)	۷۵ .۰۰		
مطالعه کتاب	کمتر یا مساوی متوسط (کم)	۲۸ .۰۰	۵ .۰	۰۰۰ .۰
	بیشتر از متوسط (زیاد)	۷۲ .۰۰		
استفاده از ماهواره	کمتر یا مساوی متوسط (کم)	۶۲ .۰۰	۵ .۰	۰۰۴۷ .۰
	بیشتر از متوسط (زیاد)	۳۸ .۰۰		

۱-۴-۱. مولفه‌های سنجش فرهنگ سیاسی

در ۹ مولفه فرهنگ سیاسی الیت حاکم ارزیابی گردید تا نوع فرهنگ سیاسی جامعه آماری مشخص گردد.^۱

فرض صفر آماری: $P_1 = P_2$

فرض یک آماری: $P_1 \neq P_2$

● جهت‌گیری احساسی نسبت به نظام: که فرد میزان احساس افتخار خویش را نسبت به سه گزینه بیان می‌کند تاریخ - هنر ایران، و خصوصیات اخلاقی مردم ایران. در قالب این سوالات سعی گردید نگاه و احساس الیت‌ها بررسی گردد.

به خصوصیات اخلاقی مردم ایران افتخار می‌کنم.

به تاریخ و هنر ایران افتخار می‌کنم.

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای مربوط به متغیر «جهت‌گیری احساسی نسبت به نظام»

عدد معنی‌داری	نسبت آزمون	نسبت مشاهده شده	گروه پاسخ‌ها
۰۰۰.۰	۵.۰	۱۱.۰	کمتر یا مساوی متوسط (مخالف)
		۸۹.۰	بیشتر از متوسط (موافق)

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌گردد، عدد معنی‌داری به‌دست آمده از سطح خطای ۵ درصد کمتر می‌باشد که این بدان معناست که فرض صفر مبنی بر برابری نسبت دو گروه پاسخ‌مورد تایید قرار نمی‌گیرد، بنابراین با توجه به این‌که نسبت گروه دوم (موافقین) بیشتر بوده است می‌توان نتیجه گرفت که پاسخ‌دهندگان دارای جهت‌گیری احساسی مثبت نسبت به نظام می‌باشند.

۱. بر اساس مدل گابریل آلموند او از سه نوع فرهنگ سیاسی یاد می‌کند: مشارکتی، اطاعتی و قبیله‌ای که در مورد الیت سیاسی معمولاً تحت عنوان فرهنگ سیاسی اقتدارآمیز و دموکراتیک یاد می‌شود.

رابطه فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و... ۲۱۱

● جهت‌گیری ارزشیابانه نسبت به نظام: برای سنجش این مفهوم قضاوت‌های فرد نسبت به ابعاد مختلف نظام از جمله عملکرد نظام سیاسی، جایگاه کشور در نظام بین‌الملل، عملکرد سازمان‌های غیر دولتی و احزاب به‌عنوان یک کل طراحی شد که فرد میزان موافقت و مخالفت خود را با این گویه‌ها بیان می‌کند.

عملکرد نظام سیاسی قابل اعتماد است.
شیوه قانون‌گذاری کشور قابل اعتماد است.
عملکرد سازمان‌های غیردولتی و احزاب سیاسی قابل اعتماد است.
جایگاه کشور در نظام بین‌الملل باعث مباهات است.

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای مربوط به متغیر «جهت‌گیری ارزشیابانه نسبت به نظام»

گروه پاسخ‌ها	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	عدد معنی‌داری
کمتر یا مساوی متوسط (مخالف)	۴۹.۰	۵.۰	۰۰۰.۱
بیشتر از متوسط (موافق)	۵۱.۰		

مطابق جدول فوق مشاهده می‌گردد عدد معنی‌داری به‌دست آمده از سطح خطای ۵ درصد بیشتر می‌باشد که این بدان معناست که دلیلی برای رد فرض صفر مبنی بر برابری نسبت دو گروه پاسخ به‌دست نمی‌آید؛ می‌توان نتیجه گرفت که پاسخ‌دهندگان دارای جهت‌گیری ارزشیابانه مثبت نسبت به نظام نمی‌باشند.

● جهت‌گیری شناختی نسبت به نظام: برای سنجش این مفهوم شناخت فرد از نوع حکومت، رابطه حکومت با مشارکت سیاسی سنجیده می‌شود.

دموکراسی راه رسیدن به مشارکت سیاسی است.
دموکراسی بر سایر شیوه‌های حکومتی ارجحیت دارد.
تحت بعضی شرایط یک نظام استبدادی بهتر از دموکراسی است.

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای مربوط به متغیر «جهت‌گیری شناختی نسبت به نظام»

گروه پاسخها	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	عدد معنی داری
کمتر یا مساوی متوسط (مخالف)	۱۲.۰	۵.۰	۰۰۰.۰
بیشتر از متوسط (موافق)	۸۸.۰		

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌گردد، عدد معنی داری به دست آمده از سطح خطای ۵ درصد کمتر می‌باشد که این بدان معناست که فرض صفر مبنی بر برابری نسبت دو گروه پاسخ مورد تایید قرار نمی‌گیرد، بنابراین با توجه به این که نسبت گروه دوم (موافقین) بیشتر بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که پاسخ‌دهندگان دارای جهت‌گیری شناختی مثبت نسبت به نظام می‌باشند.

● جهت‌گیری احساسی نسبت به درون‌داد (فرآیند): که فرد میزان اعتماد خویش را به مشارکت سیاسی احزاب سیاسی، تشکل‌های مدنی و آزادی بیان بیان می‌نماید.

کسی که در سیاست شرکت نمی‌کند نباید به او گفت شهروند بی‌آزار، بلکه منفعل است.
ما ایرانیان در مشارکت جمعی، سیستم سازی و هدف‌گذاری جمعی مشکل داریم.
وجود رادیو - تلویزیون خصوصی در کشور که تحت کنترل دولت نباشد به نفع مردم است.
دولت حق ندارد مانع استفاده مردم از رسانه‌های خارجی یا اینترنت شود.
از هرگونه ابزارهای قانونی - سیاسی برای صیانت از آزادی بیان باید حمایت کرد.
دولت باید به مخالفانش اجازه دهد عقاید خود را آزادانه برای همه بیان کنند.

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای مربوط به متغیر «جهت‌گیری احساسی نسبت به برون‌داد»

رابطه فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و... ۲۱۳

عدد معنی داری	نسبت آزمون	نسبت مشاهده شده	گروه پاسخها
۰۰۰.۰	۵.۰	۸۸.۰	کمتر یا مساوی متوسط (مخالف)
		۱۲.۰	بیشتر از متوسط (موافق)

همان طور که در جدول فوق مشاهده می گردد عدد معنی داری به دست آمده از سطح خطای ۵ درصد کمتر می باشد که این بدان معناست که فرض صفر مبنی بر برابری نسبت دو گروه پاسخ مورد تایید قرار نمی گیرد، بنابراین با توجه به این که نسبت گروه اول (مخالفین) بیشتر بوده است، می توان نتیجه گرفت که پاسخ دهندگان دارای جهت گیری احساسی مثبت نسبت به درون داد نمی باشند.

● جهت گیری شناختی نسبت به درون داد: فرد میزان شناخت خود را از وظایف سیاسی خود در جامعه بیان می نماید.

شرکت در انتخابات یک وظیفه شرعی است.
اگر فردی کاندیدای مورد قبول خود را در میان کاندیداها نیابد، باز هم باید در انتخابات شرکت نماید.
اگر فرد تردید دارد که رای او در نتیجه انتخابات بی تاثیر است، باز هم باید در انتخابات شرکت نماید.
صرفاً برای انتخاب فرد مورد نظر جهت مناصب سیاسی در انتخابات شرکت می نمایم.
با تفکرات و مطالعات سیاسی سعی می نمایم بر برنامه ها و تصمیم نظام تأثیرگذار باشم.

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای مربوط به متغیر «جهت‌گیری شناختی نسبت به درون‌داد»

گروه پاسخ‌ها	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	عدد معنی‌داری
کمتر یا مساوی متوسط (مخالف)	۲۴.۰	۵.۰	۰.۰۰۰
بیشتر از متوسط (موافق)	۷۶.۰		

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌گردد، عدد معنی‌داری به‌دست آمده از سطح خطای ۵ درصد کمتر می‌باشد، که این بدان معناست که فرض صفر مبنی بر برابری نسبت دو گروه پاسخ مورد تایید قرار نمی‌گیرد، بنابراین با توجه به این که نسبت گروه دوم (موافقین) بیشتر بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که پاسخ‌دهندگان دارای جهت‌گیری شناختی مثبت نسبت به درون‌داد می‌باشند.

● جهت‌گیری ارزشیابانه نسبت به درون‌داد: در این پژوهش برای سنجش این مفهوم ارزیابی‌های فرد در زمینه نقش‌های سیاسی، کانال‌های مشارکت سیاسی، نقش زنان در جامعه طراحی شد که فرد میزان موافقت و مخالفت خود را بیان می‌کند.

شرکت در احزاب و انجمن‌های سیاسی سبب تقویت و ثبات سیاسی جامعه می‌شود.
اتحادیه‌های کارگری و صنفی نقش تاثیرگذاری در آگاهی سیاسی ایفا می‌نمایند.
به‌نظر می‌رسد در واگذاری مناصب سیاسی زنان اغلب گزینه مناسبی نیستند.
برای سمت‌های مدیریتی و مسئولیت‌های تاثیرگذار زنان گزینه مناسبی هستند.

رابطه فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و... ۲۱۵

عدد معنی داری	نسبت آزمون	نسبت مشاهده شده	گروه پاسخ‌ها
۰.۰۰۰	۵.۰	۸۸.۰	کمتر یا مساوی متوسط (مخالف)
		۱۲.۰	بیشتر از متوسط (موافق)

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌گردد عدد معنی‌داری به‌دست آمده از سطح خطای ۵ درصد کمتر می‌باشد که این بدان معناست که فرض صفر مبنی بر برابری نسبت دو گروه پاسخ مورد تایید قرار نمی‌گیرد، بنابراین با توجه به این که نسبت گروه اول (مخالفتین) بیشتر بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که پاسخ دهندگان دارای جهت‌گیری احساسی مثبت نسبت به برون‌داد نمی‌باشند.

● جهت‌گیری احساسی نسبت به برون‌داد: که فرد میزان احساس خوشبینی خود را نسبت به برنامه و سیاست اصلی نظام سیاسی در باب جایگاه سازمان‌های غیر دولتی بیان می‌کند.

برای تثبیت موقعیت این سازمان‌ها به‌عنوان ارکان جامعه مدنی از هیچ تلاشی نباید کوتاهی کرد.
با توجه به مسائل مهم‌تر، هرگونه سرمایه‌گذاری مادی - معنوی در راه تکوین این سازمان‌ها اتلاف وقت است.
این نهادها به‌رغم ظاهر فریبنده امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازند.

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای مربوط به متغیر «جهت‌گیری احساسی نسبت به برون‌داد»

عدد معنی داری	نسبت آزمون	نسبت مشاهده شده	گروه پاسخ‌ها
۰.۰۰۰	۵.۰	۸۸.۰	کمتر یا مساوی متوسط (مخالف)
		۱۲.۰	بیشتر از متوسط (موافق)

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌گردد عدد معنی‌داری به‌دست آمده از سطح خطای ۵ درصد کمتر می‌باشد که این بدان معناست که فرض صفر مبنی

بر برابری نسبت دو گروه پاسخ مورد تایید قرار نمی‌گیرد، بنابراین با توجه به این که نسبت گروه اول (مخالفین) بیشتر بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که پاسخ‌دهندگان دارای جهت‌گیری احساسی مثبت نسبت به برون‌داد نمی‌باشند.

● جهت‌گیری شناختی نسبت به برون‌داد: که میزان شناخت فرد از حقوق شهرونی، تساهل مدارا و نقشی که این مفاهیم می‌تواند در تکوین سازمان‌های غیر دولتی ایفا نماید سنجیده می‌شود.

تصدی مشاغل دولتی برای همه افراد از هر رنگ جنس و مذهب مجاز است.
دولت باید به مخالفانش اجازه دهد عقاید خود را آزادانه بیان کنند.
انتقاد کردن از افراد. حکومت و سازمان‌های وابسته به آن، از جمله حقوق شهروندی است.
آگاهی نخبگان سیاسی از حقوق شهروندی یکی از عوامل کارآمدی سازمان‌های غیردولتی محسوب می‌شود.
اعتقاد نخبگان سیاسی به این که سازمان‌های غیردولتی از ارکان جامعه مدنی نمی‌باشند، دلیل بر ضعف این نهادهاست.
هر فردی حق شرکت در تشکل‌های مدنی را دارد.
نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای مربوط به متغیر «جهت‌گیری شناختی نسبت به برون‌داد»

گروه پاسخ‌ها	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	عدد معنی‌داری
کمتر یا مساوی متوسط (مخالف)	۰۴.۰	۵.۰	۰۰۰.۰
بیشتر از متوسط (موافق)	۹۶.۰		

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، عدد معنی‌داری به دست آمده از سطح خطای ۵ درصد کمتر می‌باشد که این بدان معناست که فرض صفر مبنی بر برابری نسبت دو گروه پاسخ مورد تایید قرار نمی‌گیرد، بنابراین با توجه به

رابطه فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و... ۲۱۷

این که نسبت گروه دوم (موافقین) بیشتر بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که پاسخ‌دهندگان دارای جهت‌گیری شناختی مثبت نسبت به برون‌داد می‌باشند.

● نگاه ارزیابانه نسبت به برون‌داد: در این گزینه ارزیابی فرد از علل ناکارآمدی سازمان‌های غیر دولتی به‌عنوان یک برون‌داد سنجیده می‌شود.

سازمان‌های غیردولتی به دلیل نبود سرمایه اجتماعی - اعتماد عمومی - ناکارآمد هستند.			
سازمان‌های غیردولتی به دلیل موانع سیاسی - اداری به اهداف و جایگاه اصلی خود نرسیده‌اند.			
وجود نگاه امنیتی نخبگان سیاسی نسبت به عملکرد این سازمان‌ها در ناکارآمدی آن موثر است.			
نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای مربوط به متغیر «جهت‌گیری ارزشیابانه نسبت به برون‌داد»			
گروه پاسخ‌ها	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	عدد معنی‌داری
کمتر یا مساوی متوسط (مخالف)	۴۵ .۰	۵ .۰	۴۸۹ .۰
بیشتر از متوسط (موافق)	۵۵ .۰		

مطابق جدول فوق مشاهده می‌گردد عدد معنی‌داری به‌دست آمده از سطح خطای ۵ درصد بیشتر می‌باشد که این بدان معناست که دلیلی برای رد فرض صفر مبنی بر برابری نسبت دو گروه پاسخ به‌دست نمی‌آید، می‌توان نتیجه گرفت که پاسخ‌دهندگان دارای جهت‌گیری ارزشیابانه مثبت نسبت به برون‌داد نمی‌باشند.

۱-۴-۲. تجزیه و تحلیل «تاثیر فرهنگ سیاسی بر کارایی سازمان‌های غیر

دولتی»

فرض صفر آماری: $P_1=P_2$

فرض یک آماری: $P_1 \neq P_2$

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای مربوط به سوالات مرتبط با «تاثیر فرهنگ سیاسی بر کارایی سازمان‌های غیر دولتی»

ردیف	متن گزاره	گروه پاسخ‌ها	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	عدد معنی‌داری
۱	سازمان‌های غیر دولتی محصول تغییر نگاه از تمرکزگرایی به تمرکززدایی است.	≤ 3 (مخالف)	۲۴.۰	۵.۰	۰۰۰.۰
		> 3 (موافق)	۷۶.۰		
۲	وجود نگاه امنیتی نخبگان سیاسی نسبت به عملکرد این سازمان‌ها در ناکارآمدی آن موثر است.	≤ 3 (مخالف)	۲۹.۰	۵.۰	۰۰۰.۰
		> 3 (موافق)	۷۱.۰		
۳	آگاهی نخبگان سیاسی از حقوق شهروندی یکی از عوامل کارآمدی سازمان‌های غیر دولتی محسوب می‌شود.	≤ 3 (مخالف)	۱۵.۰	۵.۰	۰۰۰.۰
		> 3 (موافق)	۸۵.۰		
۴	برای تثبیت موقعیت این سازمان‌ها به‌عنوان ارکان جامعه مدنی از هیچ تلاشی نباید کوتاهی کرد.	≤ 3 (مخالف)	۲۵.۰	۵.۰	۰۰۰.۰
		> 3 (موافق)	۷۵.۰		
۵	با توجه به مسائل مهم‌تر، هرگونه سرمایه‌گذاری مادی - معنوی در راه تکوین این سازمان‌ها ائتلاف وقت است.	≤ 3 (مخالف)	۸۹.۰	۵.۰	۰۰۰.۰
		> 3 (موافق)	۱۱.۰		

رابطه فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و... ۲۱۹

۰۰۰ .۰	۵ .۰	۸۹ .۰	≤ 3 (مخالف)	این نهادها به رغم ظاهر فریبنده امنیت ملی را به مخاطره می اندازند.	۶
		۱۱ .۰	> 3 (موافق)		
۱۶۵ .۰	۵ .۰	۵۹ .۰	≤ 3 (مخالف)	اعتقاد نخبگان سیاسی به این که سازمان های غیر دولتی از ارکان جامعه مدنی نمی باشند، دلیل بر ضعف این نهادهاست.	۷
		۴۱ .۰	> 3 (موافق)		
۰۴۷ .۰	۵ .۰	۳۸ .۰	≤ 3 (مخالف)	سازمان های غیر دولتی به دلیل کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، ناکارآمد هستند.	۸
		۶۲ .۰	> 3 (موافق)		
۰۰۰ .۰	۵ .۰	۲۵ .۰	≤ 3 (مخالف)	سازمان های غیر دولتی به دلیل موانع سیاسی اداره به اهداف و جایگاه اصلی خود دست نیافته اند.	۹
		۷۵ .۰	> 3 (موافق)		
۰۰۰ .۰	۵ .۰	۲ .۰	≤ 3 (مخالف)	هر فردی حق شرکت در تشکلهای مدنی را دارد.	۱۰
		۹۸ .۰	> 3 (موافق)		

بر اساس اعداد معنی داری محاسبه شده می توان ادعا کرد که:

با توجه به این که عدد معنی داری محاسبه شده از سطح خطای ۵ درصد کمتر می باشد و نسبت فراوانی گروه موافقین بیشتر از گروه مخالفین است، بنابراین نتیجه گرفته می شود که پاسخ دهندگان با عبارات ردیف ۱-۲-۳-۴-۸-۹ و ۱۰ موافق هستند.

با توجه به این که عدد معنی داری محاسبه شده از سطح خطای ۵ درصد کمتر می باشد و نسبت فراوانی گروه مخالفین بیشتر از گروه موافقین است، بنابراین نتیجه گرفته می شود که پاسخ دهندگان با عبارات ردیف ۵ و ۶ مخالف هستند.

با توجه به این که عدد معنی داری محاسبه شده از سطح خطای ۵ درصد بیشتر است، بنابراین نسبت موافقین و مخالفین در مورد عبارت هفتم تفاوت معنی داری ندارد، به این معنی که پاسخ دهندگان نه موافق و نه مخالف هستند.

۱-۵. مطالعه موردی فرهنگ نخبگان سیاسی (با تاکید بر چهار دوره)

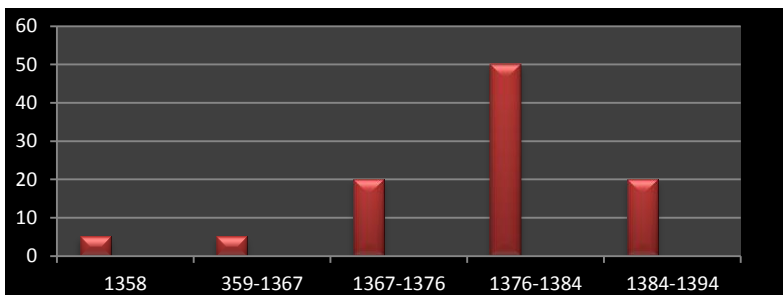
جهت بررسی فرهنگ الیت حاکم، گام دوم بررسی عملکرد این جامعه آماری است تا میزان تطابق جوابها مشخص گردد.^۱ پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، تغییر در ساختار سیاسی در ایران و فراهم شدن زمینه برای تکوین نهادهای غیردولتی در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران بود. اکنون با گذشت بیش از ۳۷ سال از زمان پیروزی انقلاب، با نگاهی به گذشته می توان تکوین، حیات و فعالیت نهادی مردمی در خلال این مدت را به چهار دوره تقسیم کرد. دوران نخست، مقطع یازده سالی است که با پیروزی انقلاب آغاز و با رحلت امام (ره) در خرداد ماه ۱۳۶۷ پایان می پذیرد. دوره دوم دوران ۷۶-۱۳۶۸ ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، دوران سوم از خرداد ماه ۱۳۸۵-۱۳۷۶ ریاست جمهوری خاتمی و دوران چهارم ۱۳۹۳-۱۳۸۵ دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد است.

دوران یازده ساله ی آغازین با پیروزی انقلاب و تدوین قانون اساسی آغاز شد، که در آن حقوق و آزادی های فردی به رسمیت و تشکیل اجتماعات و احزاب آزاد اعلان گردید. در چنین فضایی مشارکت مردم به گسترده ترین شکل در جامعه وجود داشت. اما این مشارکت نه سازمان یافته و قاعده مند، بلکه توده ای و ملهم از اندیشه های مذهبی انقلاب قرار داشت. حاکم بودن چنین شرایطی بر جامعه سبب گردید تا در ماه های آغازین سازمان های غیردولتی به وجود آمده رسالت اصلی خود که همانا سازماندهی مشارکت مردم است را یا فراموش کرده و یا مجالی برای تعقیب آن پیدا نکنند. به همین دلیل سازمان های اخیر بسیار زود کارکرد اصلی خود را فراموش کرده و رویکرد خیریه ای و یا تعقیب و

۱. هر چه سوالها به سمت کل سیستم پیش می رفت جوابها به آرمان گرایی نزدیک تر می شدند.

رابطه فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و... ۲۲۱

تحقیق اهداف خاص را دنبال کردند. البته لازم به یادآوری است که حاکم بودن چنین وضعیتی پس از بروز انقلاب‌ها امری بدیهی است؛ اما با گذشت زمان مشارکت سازمان‌یافته جایگزین حرکت پویولیستی می‌گردد. اما وقوع جنگ و لازمه حفظ بسیج توده‌ای همه و همه سبب عدم نهادینه شدن فعالیت سازمان‌های غیردولتی و بسته شدن فضای سیاسی گردید. نمودار زیر تغییرات درصدی مرتبط با تشکیل سازمان‌های غیردولتی را در محدوده زمانی پس از انقلاب نشان می‌دهد.



نمودار تغییرات درصدی مرتبط با تشکیل سازمان‌های غیردولتی در محدوده زمانی پس از انقلاب اسلامی

(Source: <http://www.hamyaran.org/persian/projects/ngo-community-building.Html>)

مشاهده می‌شود که بر اساس این نمودار، در محدوده سال‌های پس از پایان جنگ رشدی حدوداً ۲۰ درصدی در تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران به وجود آمده که طی سال‌های ۱۳۷۶ به بعد به اوج خود رسیده است (گلشن پژوه، ۱۳۸۶: ۹۸).

بعد از جنگ و شروع دورانی که به سازندگی معروف شده است، به تعبیر لاکلاو مفصل‌بندی جدیدی شکل گرفت از این‌رو، در عمل ما شاهد شکل‌گیری خرده‌گفتمان‌هایی هستیم که به نظر می‌رسد با طی کردن فرآیندهایی به‌نوعی خودمختاری گفتمانی دست یافتند.

● فرهنگ نخبگان سیاسی در دولت هاشمی رفسنجانی: به‌طور کلی اگر بخواهیم جایگاه و وضعیت شاخص‌های توسعه سیاسی و ارتقا نهاد‌های مدنی در کشور را در این دوران بر اساس فرهنگ نخبگان سیاسی بررسی کنیم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی - صنفی و اسلامی در دولت هاشمی چندان اجرا نشد، به‌گونه‌ای که تعداد مجوزهای صادر شده از کمیسیون ماده احزاب وزارت کشور از ۳۹ مورد تجاوز نکرد، در حالی که در ۱۴ ماه اول دولت خاتمی این عدد به ۲۵ مورد رسید (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۵).
قانون شوراهای شهر و روستا با همه تلاش‌های به‌عمل آمده به اجرا گذاشته نشد و در اوایل دولت خاتمی است که جامه عمل می‌پوشد.

به‌رغم توانایی نخبگان سیاسی این دوران در تامین بعضی آزادی‌های سیاسی در چارچوب قانون اساسی برای تشویق مشارکت همگانی نشریه‌ها و کتاب‌ها، به‌ویژه با رویکرد انتقادی، چندان مجال حضور نیافتند. اگرچه با اجازه رسمی دولت، نشریه‌های فراوانی منتشر شدند که بسیاری از آنها را می‌توان غیرمذهبی خواند و حتی بعضی از نشریه‌ها، نظیر «ایران فردا»، «کیان»، «آدینه»، «دنیای سخن»، «سلام» و «جهان اسلام» که به مخالفان درون حاکمیت، یعنی جناح چپ تعلق داشتند، اجازه نشر پیدا کردند (قبادزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۳). ولی در مجموع تعداد نشریه‌ها و جرایدی که دیدگاه‌های انتقادی و یا مخالف را منعکس می‌کردند، معدود بود و امکان مانور چندان برای آنها وجود نداشت.
با وجود تلاش دولت برای ایجاد ثبات سیاسی در کشور، در عمل این مهم تحقق نیافت و حکومت نتوانست میان نیروهای بلوک قدرت وحدت و انسجام ایجاد کند^۱ (خواجه سروی، ۱۳۸۲: ۳۳۹).

۱. برای مثال اختلاف نظر دو جناح نسبت به «نظارت استصوابی» شورای نگهبان در انتخابات، در مجلس سوم به اوج خود رسید. حاصل این کشمکش‌ها ناکامی جناح چپ در انتخابات مجلس چهارم شورای اسلامی بود. به‌گونه‌ای

رابطه فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و... ۲۲۳

به این ترتیب فرهنگ سیاسی نخبگان در این دوران از ویژگی‌هایی برخوردار نبود که با امکان تحقق توسعه سیاسی، سازگاری داشته باشد و حتی در مواردی به گونه‌ای عمل شد که اگر ساختاری هم وجود داشت که می‌توانست ما را به توسعه سیاسی و ارتقا نهادهای مدنی نزدیک کند، سعی در تخریب آن بود.

● فرهنگ نخبگان سیاسی در دولت خاتمی: این دوران همراه بود با گفتمان تازه‌ای در تاریخ سیاسی کشور که در نتیجه آن «سازندگی» جای خود را به گفتمان «دموکراتیک جامعه مدنی» داد. در این راستا اقداماتی جهت گذار به دموکراسی صورت پذیرفت که متحول کننده بود. اجرای قانون شوراها، تصویب طرح برابری دیه اقلیت‌های دینی با مسلمانان، تسهیل شرایط برای رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، ارائه طرح تشکیل هیئت منصفه، تلاش در جهت تدوین و تعریف جرم سیاسی، ارائه لایحه اصلاح قانون انتخابات، طرح منع شکنجه، اصلاح قانون مطبوعات و توجه به ساماندهی سازمان‌های غیر دولتی و احزاب ... از آن جمله است.

به گونه‌ای که در باب تشکل‌های مدنی تا قبل از تشکیل دولت خاتمی تنها ۳۸ حزب، گروه و تشکل سیاسی در کشور دارای مجوز فعالیت بودند. اما پس از دوم خرداد، ۷۶ حزب و گروه سیاسی با سلیقه‌های مختلف و دیدگاه‌های گوناگون ظهور یافت. آمارها نشان می‌دهد که از نیمه‌ی دوم سال ۱۳۷۶ تا نیمه‌ی اول سال ۹۳ حدود ۱۸۲ حزب، گروه و تشکل سیاسی از کمیسیون ماده‌ی ۱۰ احزاب مجوز فعالیت گرفتند. در نیمه‌ی دوم سال ۷۶ و ۷۷ که مدیریت وزارت کشور بر عهده‌ی عبدالله نوری بود، به ترتیب ۸ و ۴۲ مجوز فعالیت سیاسی صادر شد. در سال‌های ۷۸، ۷۹ و ۸۰ که دولت اول خاتمی پایان یافت، به ترتیب ۱۹، ۲۱ و ۴۵ پروانه‌ی فعالیت سیاسی صادر گردید. در دولت

که فقط توانست ۴۰ نماینده به مجلس بفرستد و در تهران حتی یک نماینده از این دو جناح به درون مجلس راه نیافت.

دوم خاتمی تا آذرماه ۸۳ نیز حدود ۹۰ مجوز فعالیت به احزاب و تشکل‌های سیاسی اعطا شده است.^۱

با وجود این تلاش‌ها، به دلیل حاکمیت و استمرار همان فرهنگ سیاسی دوره‌ی پیش بر نخبگان سیاسی ما شاهد توسعه سیاسی و تثبیت نهادهای مدنی به معنای واقعی کلمه نبودیم (کشاوری، ۱۳۷۸: ۸). در واقع دوران تنش^۲ و مبارزه بین دو جریان اصلاح طلب و اصول‌گرا بود و آثار این تنش و مبارزه را می‌توان به صراحت در برخورد و طرز رفتار نخبگان سیاسی خارج از دولت با مطبوعات و احزاب سیاسی مشاهده کرد (کدی، ۱۳۸۳: ۱۱۷-۱۱۶). شاید علت اصلی این تنش و ناآرامی در فضای جامعه آن‌روز این بود که برخی از نخبگان سیاسی ما تکلیف خودشان را با بسیاری از تعاریف بنیادی مربوط به توسعه سیاسی و جامعه سیاسی آزاد مشخص نکرده بودند و در مورد بسیاری از مفاهیم و تعاریف و هم‌چنین تقدم و تاخر این مفاهیم بلا تکلیف بودند.

● فرهنگ نخبگان سیاسی در دولت احمدی‌نژاد: با روی کار آمدن دولت نهم و آغاز دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، فضای سیاسی و فرهنگی کشور به دوران آرمان‌گرایی اوائل انقلاب نزدیک گردید. با شروع این دوره، می‌توان رفتارهای احساسی ناشی از آرمان‌گرایی را در رویارویی نخبگان سیاسی با مردم و در تعاملات بین خودشان به صراحت مشاهده کرد. اگر بخواهیم عملکرد نخبگان سیاسی در این زمان را با دید واقع‌گرایانه مورد تحلیل قرار دهیم، باید بگوییم که در این دوره مطلق‌پنداری، آرمان‌گرایی و در پی جامعه اتوپیایی بودن هم‌چون اوائل انقلاب اسلامی دوباره به سراغ نخبگان سیاسی آمد و به همین دلیل نخبگان سیاسی در این دوره انسجام و ثبات را کم اهمیت و تناقض و

۱. مجموعه‌ی خیرنامه‌ی نمایشگاه دستاوردهای وزارت کشور و سازمان‌های تابعه، ۱۳۸۳.

۲. اختلاف بر سر نهادها و مسئولان انتصابی و انتخابی، بودجه کمیته امداد، افتتاح فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، امضای قرارداد با یک شرکت مخابراتی ترکیه، محل نمایشگاه بین‌المللی، کنترل وزارت اطلاعات، نشانه‌ها و نمونه‌های دیگری از بروز تنش میان نخبگان سیاسی در این دوران است.

تضاد و تغییر را پراهمیت قلمداد می‌کنند.

نتیجه‌گیری

«مشکل وقتی وجود دارد که بازیگران اجتماعی میان آنچه هست و آنچه باید باشد شکاف و فاصله ببینند». زمانی که در یک جامعه مشکلی به مسئله تبدیل می‌شود، انجام تحقیقات به‌منظور کشف علل و واقعیت‌های اجتماعی مرتبط با آن الزامی می‌شود. شکل و ساختار مشکل تعیین‌کننده روش راه‌حلی و تصمیم‌گیری در خصوص مواجهه با آن می‌باشد. از این‌رو پرداختن و جهت‌دادن به آنها از فعالیت‌های اساسی متخصصان سیاست‌گذاری محسوب می‌شود. ارزیابی وضعیت دولت یازدهم نشان می‌دهد به‌رغم تأکید بر نقش و کارکرد سازمان‌های غیردولتی، بدنه دولت در بخش‌هایی که جلب مشارکت‌های مردمی پررنگ‌تر است و مبحث نقش‌آفرینی غیردولتی‌ها موضوعیت پیدا می‌کند، توان و آمادگی لازم را ندارد. به‌طور دقیق‌تر باید گفت که به‌کارگیری و جلب مشارکت فعال و هدفمند بخش غیرحکومتی، نیازمند تحول در فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم است؛ به‌تعبیر دیگر نمی‌توان با این ساختار و مدیرانی که شناخت کافی از فلسفه وجودی، کارکردها و توانمندی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد ندارند، در به‌کار گرفتن این بخش به‌عنوان همکار و همیار دولت تحول‌گسترده‌ای ایجاد کرد. دولت به‌موازات توجه به این امر مهم، نیاز دارد تا با ایجاد تغییرات مبنایی، یک‌بار برای همیشه متولی مشخصی برای ارتباط غیرحکومتی‌ها با خود - فراتر از واحدهای بخشی و جزایر متعدد تصمیم‌ساز و برنامه‌ریزی - تعیین کند.

در کشور ما از دوره برنامه سوم توسعه، با تأکید بر تمرکززدایی، کاهش حجم تصدی‌گری دولت و توسعه مشارکت‌های مردمی، زمینه واگذاری امور غیر حاکمیتی به مردم و اجتناب از تصدی‌گری دولت فراهم گردید. اما به‌رغم این سیاست سازمان‌های غیر دولتی در ایران تثبیت و نهادمند نشدند. در بررسی

علت ناکارآمدی سازمان‌های غیر دولتی در ایران دلایل زیادی وجود دارد، که تمام موارد مطرح گردیده عامل تشدید کننده در ناکارآمدی سازمان‌های مردم‌نهاد محسوب می‌شوند؛ اما عامل تعیین‌کننده نیستند. مشکل فراتر از ساختار درونی سازمان‌ها یعنی نوع فرهنگ نخبگان سیاسی است؛ که خود مانع تحقق توسعه سیاسی قرار گرفته است.

فرهنگ سیاسی الیت محیط ذهنی و نگرشی است که در درون آن نظام سیاسی عمل می‌کند و این محیط ذهنی در عمل راهنما و شکل‌دهنده‌گزینه‌های مردم در زندگی سیاسی روزمره محسوب می‌شود. چون مردم عادی کمتر به مسائل توجه نشان می‌دهند در نهایت نقش ضعیف‌تری در پوشش سیاسی بازی می‌کنند؛ در حالی که اقلیتی کوچک (الیت) که قابلیت سازماندهی دارد، قادر است که نهضت برپا کند.

اما فرهنگ یا ایدئولوژی الیت سیاسی چندان تحت تأثیر گرایش‌های نوین قرار نگرفته و تحول نیافته است؛ بیشتر ادامه فرهنگ سیاسی پاتریمونیالیستی قدیم بوده است.

بانگاهی بی‌طرفانه باید گفت که اکنون ظرفیت بزرگی به‌نام سازمان‌ها و تشکل‌های غیرحکومتی در کشور به‌عنوان یک واقعیت وجود دارد؛ ظرفیتی که در گذر زمان بخش‌هایی از آن هنوز فعالانه در حال انجام ماموریت‌های سازمانی خویشند. اما بخش عمده‌ای از آنها به‌نوعی در انجماد به‌سر می‌برند و شاید هرچند گاه‌گاهی فعالیت موردی داشته باشند. به‌دلیل نوع نگاه الیت حاکم، انسجام سازمانی خود را از دست داده‌اند و یا به انفعال کامل کشیده شده‌اند.

در حالی که امروزه ارتباط سازمان‌های غیردولتی با دولت به‌صورت برابر و با همکاری متقابل به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است. تا قبل از انقلاب اسلامی رابطه دولت با سازمان‌های غیردولتی بیشتر به رابطه بیگانگی نزدیک بود و ارتباط مشخصی بین این دو بخش شکل نگرفته بود. پس از انقلاب نیز به‌دلیل حاکم شدن فضای ایدئولوژیک بر کشور و تمایل حکومت به یکنواخت

کردن فضای اجتماعی و عدم تفکیک قانونی احزاب سیاسی و سازمان‌های غیردولتی، رابطه دولت با این سازمان‌ها - البته به استثنای سازمان‌های اجتماعی سنتی - بیشتر حالت ناسازگاری به خود گرفت.

در حالی که سازمان‌های غیردولتی در ایران نیازمند آن هستند که عملاً به رسمیت شناخته شوند و با توجه به توانایی‌ها و امکانات خود، مسئولیت‌هایی را برعهده گیرند. در پرتو چنین سیاستی تخصیص هرگونه منابعی به این سازمان‌ها مجاز خواهد بود. لیکن اهمیت دارد در کنار انقلاب بنیادین در دیدگاه مدیران نسبت به این سازمان‌ها، اعطای کمک^۱ بر اساس ضوابط مشخص و بدون هیچ‌گونه تبعیض و حتی‌الامکان به صورت غیرمستقیم انجام پذیرد؛ تا استقلال تشکلهای مدنی با خطر روبه‌رو نشود.

۱. کمک مالی مستقیم، ۲- واگذاری اجرای برخی از طرح‌های دولتی به سازمان‌های غیردولتی، ۳- مشارکت مستقیم دولت در اجرای طرح‌های سازمان‌های غیردولتی و ۴- اتخاذ سیاست‌های تشویقی مالی؛ الف: معافیت مالیاتی سازمان‌های غیردولتی و ب: اعطای کمک و تسهیلات به اشخاصی که به سازمان‌های غیردولتی کمک مالی می‌کنند.

منابع

(الف) فارسی

- ابطحی، مصطفی. (۱۳۸۲). «جستاری در آسیب‌شناسی فرهنگ سیاسی ایرانیان»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه تهران مرکز، شماره اول.
- آرون، ریمون. (۱۳۷۰). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر علمی - فرهنگی.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۷۹). *ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب*، تهران: نشر قومس.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۷۸). «چهره متغیر امنیت داخلی: بررسی نسبت امنیت داخلی با رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴.
- باتامور، تی. بی. (۱۳۶۹). *نخبگان و جامعه*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر شیراز.
- بزرگمهری، مجید. (۱۳۸۰). «یونسکو و سازمان‌های غیردولتی»، مجموعه مقالات نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه فعالیت‌های ملی-بین‌المللی، وزارت کشور، دفتر مطالعات سیاسی.
- برتران، بدیع. (۱۳۸۵). *توسعه سیاسی*، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر قومس.
- پالمر، مونتی؛ اشترن، لاری؛ گاریل، چارلز. (۱۳۶۷). *نگرشی جدید به علم سیاست*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- پای، لوسین. (۱۳۸۰). *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*. ترجمه غلامرضا سروی، تهران: نشر مطالعات راهبردی.
- خواجه سروی، غلامرضا. (۱۳۸۲). *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در ایران*، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دوتوکویل، الکسی. (۱۹۵۴). *دموکراسی در آمریکا*، تهران: نشر نی.
- زونیس، ماروین. (۱۳۸۷). *روانشناسی نخبگان سیاسی ایران*، ترجمه پرویز صالحی و دیگران، تهران: نشر چاپبخش.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۲). *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: نشر فروزان روز.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۴). *ما ایرانیان*، تهران: نشر نی.

رابطه فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و... ۲۲۹

قبادزاده، ناصر. (۱۳۸۱). *روایت آسیب‌شناختی از گسست نظام و مردم در دهه دوم انقلاب*، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.

کشاوری شگری، عباس. (۱۳۷۸). «درآمدی بر فرهنگ سیاسی در ایران»، *مجله فلسفه - کلام و عرفان*، شماره ۸ - ۷.

کدی، نیکی آر. (۱۳۸۳). *نتایج انقلاب ایران*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: نشر ققنوس.

گلشن پژوه، محمودرضا. (۱۳۸۶). *راهنمای سازمان‌های غیر دولتی*، تهران: موسسه فرهنگی - مطالعات و تحقیقات

لاسول، هارولد. دی. (۱۳۸۳). *مقایسه تطبیقی نخبگان*. تهران: نشر نی.

(ب) انگلیسی

Almond & G. B. Powell. (1978). "Comparative Politics: A Developmental Approach". Boston: *Little Brown and Co* P: 50.

Almond, Gabriel & Sidney Verba. (1965). *Civic culture, political Attitudes and Democracy in five nation*, Brown and company.